



بررسی مؤلفه‌های پست‌مدرن در رمان رز گمشده

PROF. DR. MUHAMMED HASAN HASANZADE-Yİ NİRÎ*-AZÂDE İSLAMÎ**

Öz

Bu makalenin amacı; Serdar Özkan'ın yazdığı *Kayıp Gül* romanında postmodern faktörleri inceleyip araştırmaktır. Postmodernizm, düşüncesini roman ve hikâyede algılamak ve anlamak için yardımcı olabilecek bir takım faktörler bulunmaktadır.

Bu faktörlerin bir kısmı varlık tanımlama boyutunun bilgi tanımlama boyutuna hâkim olması, belirsizlik, metinde metinler arasılık ve mitolojik yansıma, rasyonalizm ayrımı (eleştirisi), orijinal ve yeni form, çoklu son, kimlik buhranı vs. den ibarettir.

Serdar Özkan'ın *Kayıp Gül* romanında da bu postmodern işaretlerin bazıları bulunmaktadır. Mitolojiden ve tarihi şahsiyetlerden uyumlu bir şekilde istifade etmesi, şekil ve içerik gerilimi ve şekil değişikliğiyle hikâyenin içeriğini kurcalama bu evrensel eserin seçkin özelliklerinden sayılır. Bu şekilde gerçeklik ve hayalin iç içe geçmiş dünyalar arasındaki mevcudiyeti gösterilmiştir.

Söz konusu hikâyede, Brian Mkhail'in teorisine göre gerçek hayalden etkilenmekte ve ona uymaktadır. Özkan, kendi hikâyesinde çevresel form, belirsizlik, iç içe geçmiş dünyalar, gerçek ve hayal arasındaki sınırın kaldırılması gibi yöntemleri kullanmaktadır.

Anahtar Kelimeler: Postmodern, *Kayıp Gül*, Serdar Özkan

* PROF. DR. MUHAMMED HASAN HASANZADE, İstanbul Üniversitesi, Edebiyat Fakültesi, Fars Dili ve edebiyatı Bölümü. Email: mhhniri@yahoo.com.

** Azâde İSLAMÎ, Uluslararası İmam Humeyni Üniversitesi, Kazvin.

ABSTRACT

This article seeks to examine the lost roze "Roz-e Gom Shode" roman, to study Sardar Ozkan and to find and analyze the components of postmodernity. Postmodernism has its components whose knowledge and analysis in the story and novel can help both understanding postmodern thinking, and better understanding of that effect. Some of these components include the ontological dimension of epistemology, uncertainty, intertextuality, and the reflection of myth in the text, rational critique, the form of the new and the new form, the end of the multitude, the identity crisis, and so on. The Turkish version of the lost Rose, written by Sardar Ozkan, has some of these postmodern components.

The coherent use of historical myths and personalities, and the convergence of form and content, in a way that makes a change in its form, dampen the content of the story, is one of the prominent features of this universal work. It has also been shown that there is interaction between the tumultuous worlds of "reality" and "fantasy." In the story, according to Brian Mkhail's theory, reality affects and adheres to imagination. In his story, Ozkan has used such techniques as "circular form", "uncertainty," "world 'n the world," and "destroying the boundary between reality and imagination."

Keywords: Story, postmodernism, lost roses, Serdar Ozkan

چکیده

این نوشتار بر آن است تا رمان رز گمشده، از سردار ازکان را مورد بررسی قرار دهد و مؤلفه‌های پست‌مدرن را در آن پیدا و تحلیل کند. پست‌مدرنیسم، مؤلفه‌هایی دارد که شناخت و تحلیل آن‌ها در داستان و رمان، می‌تواند هم به درک نگرش و اندیشه پست-مدرن کمک کند و هم به شناخت بهتر آن اثر. برخی از این مؤلفه‌ها عبارتند از، غلبه بعد هستی‌شناختی بر معرفت‌شناختی، عدم قطعیت، بینامتنیت و بازتاب اسطوره در متن، نقد خردگرایی، شکل و فرم بدیع و نو، پایان چندگانه، بحران هویت و... . رمان ترکی رز گمشده، نوشته سردار ازکان، دارای برخی از این مؤلفه‌های پست‌مدرن است. استفاده

همه‌هنگ از اسطوره‌ها و شخصیت‌های تاریخی و در هم‌تنیدگی فرم و محتوا، به گونه‌ای که تغییر در فرم آن، محتوای داستان را خدشه‌دار کند، از ویژگی‌های برجسته این اثر جهانی است. همچنین نشان داده شده‌است، که میان جهان‌های تودرتوی "واقعیت" و "خیال"، تعامل وجود دارد. در داستان مذکور مطابق نظریه برایان مک‌هیل، واقعیت، از خیال تأثیر می‌پذیرد و تبعیت می‌کند. ازکان در داستان خود از شگردهایی چون؛ «فرم دایره‌ای»، «عدم قطعیت»، «جهان‌های تو در تو» و «از بین بردن مرز میان واقعیت و خیال» استفاده کرده است.

کلید واژه ها: داستان، پست‌مدرنیسم، رز گمشده، سردار ازکان

مقدمه

«مفهوم‌پردازی درباره «پسامدرنیسم» تدریجاً و در سه مرحله انجام شد: در مرحله نخست، این اصطلاح در معماری و ادبیات، برای توصیف قریحه و سبکی نو و ضد مدرن به کار رفت. در مرحله دوم، در اواخر دهه ۱۹۶۰، تلاش دیگری صورت گرفت تا پسامدرنیسم به منزله پدیده‌ای فراگیر در حوزه فرهنگ و جامعه و سیاست تعریف شود، پدیده‌ای در تباین با مدرنیسم که دیگر تهی شده و جای خود را به جنبشی دیگر داده بود. پسامدرنیسم در این زمان، مرحله نوینی از فرهنگ و تمدن بشری محسوب می‌شد. از اواسط دهه ۱۹۸۰، این اصطلاح هر چه بیشتر جنبه‌ای سیاسی به خود گرفت. ملاحظات مربوط به طبقه، نژاد و جنسیت از این زمان در نظریه پسامدرنیسم برجسته‌تر شد» (هوفمان به نقل از پاینده، ۱۳۹۰: ۲۱). در حوزه ادبیات و داستان و رمان، شاید هیچ اثری به تنهایی یافت نشود که در بردارنده تمام مؤلفه‌های پست‌مدرن باشد. اما آثار زیادی هستند که برخی از این مؤلفه‌ها را دارا هستند. بررسی این قبیل آثار ادبی، این اهمیت را دارد که نشان می‌دهد در آثار پست‌مدرن تنوع ایده‌ها و اندیشه‌ها، به رسمیت شناخته می‌شوند. بدین معنا که ممکن است به عنوان مثال، اثری با صیغه عرفانی، بسیاری از مؤلفه‌های پست‌مدرن را داشته باشد. یکی از رمان‌هایی که از نظر پست-مدرنیسم قابل تحلیل و بررسی است، رمان «رز گمشده» از سردار ازکان است.

سردار ازکان، در اگوست ۱۹۷۵ در ترکیه به دنیا آمد. در دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا در رشته مدیریت و روانشناسی تحصیل کرد. سپس برای تکمیل تحصیلاتش به

استانبول برگشت و روان‌شناسی را ادامه داد. از سال ۲۰۰۲ شروع به نوشتن رمان کرد و با اولین اثر خود، رز گمشده، شهرت جهانی یافت. رمان مذکور به بسیاری از زبان‌ها ترجمه شد و تا هفته‌ها در لیست پرفروش‌ترین کتاب‌های جهان جای گرفت. مقاله حاضر بر اساس ترجمه بهروز دیجوریان، شاعر و مترجم ساکن استانبول، نگاشته شده است. این نوشتار بر آن است تا برخی از مؤلفه‌های پست‌مدرن را در این رمان پیدا و بررسی کند.

۱- پیشینه پژوهش

رز گمشده، اولین رمان نویسنده ترک، سردار آزکان، است که علی‌رغم شهرت جهانی و امتیازات هنری بسیار ارزنده‌ای که دارد، مورد نقد و تحلیل علمی و جدی در جامعه ادبی و علمی ما قرار نگرفته و تا کنون پژوهش دانشگاهی خاصی در باب معرفی و بررسی آن انجام نشده است. مقاله حاضر بر اساس ترجمه بهروز دیجوریان، نخستین ترجمه فارسی این اثر نوشته شده است. این پژوهش گامی است در جهت معرفی و نقد و بررسی این اثر جهانی.

۲- پست‌مدرنیسم

درباره پست‌مدرنیسم نمی‌توان تعریف جامع و مشخصی ارائه داد. زیرا بنا به گفته وارد، پست‌مدرنیسم، مفهومی پیچیده و مشکل است و دیدگاه‌های متنوعی در این زمینه وجود دارد (وارد، ۱۳۸۳: ۱۵). برداشت و نظریه‌ای واحد درباره پست‌مدرنیسم وجود ندارد و دیدگاه‌ها در این زمینه گوناگون است (پاینده، ج ۳، ۱۳۹۰: ۲۶). مثلاً جان بارت «پسامدرن» را اصطلاحی خشن و اندکی مقلدانه می‌داند و چیزی را عرضه می‌کند که در حال فرود آمدن از اوج است و به سستی در پی کنشی است که باید دنبال شود. (بارت به نقل از مک‌هیل، ۱۳۹۲: ۲۶) یکی از دلایل این اختلاف‌نظرها و ارائه نظریات گوناگون درباره پست‌مدرنیسم این است که، برخی از نظریه‌پردازان میان مدرنیسم و پسامدرنیسم، گسست و جدایی قائلند و آنها را دو نحله جدا از هم می‌دانند، اما، گروهی دیگر، برخلاف آنها، پسامدرنیسم را ادامه مدرنیسم می‌دانند. (پاینده، ۱۳۸۹: ۳۲)

با تمام اختلاف نظرها در این زمینه، ویژگی های مشترکی هست که بر آن اساس می توان اثر پستمدرن را از غیر آن تا حدی شناسایی و مرزبندی کرد. ویژگی هایی مانند عدم ثبات و پیش بینی ناپذیری داستان، عدم قطعیت، ساختار پیچیده آثار، نقد خردگرایی، نوشتن داستان درباره خود، بینامتنیت، امتزاج رئالیسم با جادو و اسطوره و ... (ن.ک. شایگان فر، ۱۳۹۰: ۲۱۹-۲۲۰).

۳- خلاصه رمان

رز گمشده، ماجرای سفر دختر جوانی به نام دیاناست که نمادی امروزی از اسطوره آرتمیس یا دیاناست. او که یکسال پس از تولد، خواهر دوقلوی خود، مری، را از دست داده است، پس از مرگ مادر با وصیت او روبرو می شود مبنی بر اینکه خواهر همزادش زنده است و دیانا باید او را پیدا کند و در کنارش بماند. دیانا به ترکیه می رود تا سراغ مری را از استاد او، بانو زینب، بگیرد. بانو زینب در حکم پیر و مرشد مری است و راه شنیدن صدای گلها را به او یاد داده است. دیانا آنچه را باید از راه خودشناسی و درباره نیمه گمشده اش بداند از نامه هایی که مادر از زبان مری نوشته است، می خواند. او از بانو زینب تعلیماتی درباب معرفت نفس می آموزد. او در تلاش است تا از بانو زینب راز شنیدن صدای گلها و شنیدن صدای مادر از زبان آنها را یاد می گیرد. در پایان، دیانا آخرین نامه مادر از زبان مری را پیدا می کند و می فهمد مری کسی نیست جز صورتی دیگر از مادر و نیز نیمه شرقی و بعد اشراقی خود او. او سرانجام به وصیت دیگر مادر که نوشتن داستان تولد دوباره خودش است، عمل می کند و در نهایت داستانی که دیانا می نویسد، همان رمان رز گمشده است که مخاطب خوانده است.

داستان رز گمشده، پرداختی بسیار استادانه دارد. در این داستان، چنان فرم و محتوا در هم تنیده شده است که زمان ها و مکان ها، تشخص خود را از دست داده و جنبه نمادین پیدا کرده اند. با وجود اسامی مکان هایی در غرب و شرق و اسطوره هایی از یونان و روم، مخاطب خودش را در جهانی بی مکان و بی زمان می یابد. نویسنده اثر همان طور که اسطوره شناس بزرگ، جوزف کمبل، معتقد است؛ اسطوره ها را باید زنده نگاه داشت و آن را کار هنرمند می داند (کمبل، ۱۳۸۰: ۱۳۷)، اسطوره های آرتمیس و مریم را از فراسوی زمان بیرون می کشد و بازخوانی جدیدی از آنها می کند. تمام داستان از فرم

گرفته تا محتوا، با تقابل‌ها شکل گرفته است. تقابل‌هایی که حتی در دوگانه بودنشان هم قطعیتی وجود ندارد. دیانا، که تصویر بازسازی شده و مدرنی از اسطوره یونانی آرتمیس و اسطوره رومی دیاناست، با رز آرتمیس که نماد بعد حیوانی انسان است، رابطه این-همانی پیدا می‌کند. او بنا به وصیت مادر به دنبال همزاد خیالی‌اش، مری، که نماد پاکی و معنویت و بعد الهی انسان است، سفری نمادین از غرب فلسفه و خرد به شرق اشراق و عرفان، آغاز می‌کند.

۴- مؤلفه‌های پست‌مدرن در رمان رز گمشده

- غلبه بعد هستی‌شناختی داستان

پست‌مدرنیسم به معنای ختم مدرنیسم و یا گسست همه‌جانبه از آن نیست. بلکه نگرشی است که مدرنیته را مورد ارزیابی و نقد قرار می‌دهد. برخی از اصول آن را رد می‌کند و برخی را می‌پذیرد. بنابراین، از مدرنیسم جدا نیست و با آن وجه اشتراک دارد. (تابعی، ۱۳۸۴: ۱۸۸) یکی از نظریه‌پردازانی که مدرنیسم و پست‌مدرنیسم را دو نحله جدا از هم نمی‌داند و معتقد است که پست‌مدرنیسم، از مدرنیسم جدا نبوده و ادامه آن است، برایان مک‌هیل است. او معتقد است برای تشخیص آثار مدرن از پست‌مدرن نه آن چنان باید دامنه را تنگ کرد که به ندرت بتوان اثری را پست‌مدرن دانست و نه آن چنان آن را گسترده نمود که هر اثری را پست‌مدرن دانست. بلکه باید راهی میانه در نظر گرفت. (ن.ک. مک‌هیل، ۱۳۹۲: ۲۸) مک‌هیل معتقد است که تفاوت اساسی و ذاتی میان داستان‌های مدرن و پست‌مدرن وجود ندارد. در داستان‌های پست‌مدرن، وقتی از چیستی جهان سخن به میان می‌آید، مسئله شناخت جهان هم مطرح شده است. اما اولویت با مسائل هستی‌شناختی است نه معرفت‌شناختی. «عنصر غالب»، اصطلاحی مناسب است که این اولویت را نشان می‌دهد. (پاینده، ۱۳۹۰: ۳۴۰) داستان رز گمشده نیز، دغدغه هستی‌شناسی دارد تا معرفت‌شناسی. تمامیت این داستان بر محور تجربه کردن جهان‌های ممکن قرار دارد. دیانا پس از تجربه دنیای بیرون، به دنیای درون که صبغه خیالی دارد، پا می‌گذارد. نمود هر دو جهان ممکن بیرون و درون، به یک اندازه واقعی است و داستان آنها را ارزیابی نمی‌کند. بلکه، فقط نمایش و گزارش می‌دهد. داوری نمی‌کند و کاری به صحت و سقم آن ندارد.

«اگر باور کنیم که می‌توانیم صدای گل‌ها را بشنویم، حتماً یک روز خواهیم شنید.»
(ازکان، ۱۳۸۹: ۱۲۹)

«دیانا مهم نیست که کدام درست است. مهم باور تو است. از خودت بپرس، من به چه معتقدم؟ به همین سادگی.» (همان: ۱۳۰)

«دلیلی که مانع از دنبال کردن بزرگ‌ترین یالت می‌شود چیست؟» (همان: ۱۸)

داستان دو جهان تودر تو را بازگو می‌کند. مخاطب این داستان، دو جهان را در برابر خود می‌یابد. جهانی که خالق آن سردار ازکان است و شخصیت‌های داستان مثل دیانا و مری و بانو زینب و ... را، او خلق کرده است و جهانی که خالق آن دیاناست که خودش یکی از شخصیت‌های داستان است. گویی کل کتاب را این شخصیت مخلوق ازکان نوشته است. این‌ها نماینده دو جهان متفاوت اما تودرتو هستند. خواننده راهی برای شناخت این دو جهان ندارد و تنها تماشاگر است و به نوعی آن را تجربه می‌کند. این مسأله از ویژگی‌های داستان پست‌مدرن و وجه افتراق بین آن و داستان مدرن است. چیدمان اجزای داستان رزگمشده به گونه‌ای است که مادر با شگردهای گوناگون، سرانجام موفق می‌شود فرزندش را در نوشتن و خلق این جهان دوم (داستان دیانا) یاری کند.

«این داستان برای من بامعناست. زیرا درباره‌ی توست؛ و چه خوب که تعریف کردم. در حقیقت نه، این داستان را من نگفتم، تو برایم تعریف کردی. تازه درست در زمانی که دیگر فکر کردم داستانی نخواهی گفت. متشکرم مامان.» (ازکان، ۱۳۸۹: ۱۹۹)

«تا پیش از پیدایش ادبیات پسامدرن، واقعیت و تخیل دو ساحت متمایز محسوب می‌شدند و هنر در بهترین حالت، «محاکات» یا تقلیدی از واقعیت تلقی می‌گردید. اکنون در داستان‌های پسامدرن این رابطه به نحو عجیبی تغییر کرده است، به این ترتیب که برخلاف انتظار ما واقعیت از تخیل پیروی می‌کند.» (پاینده، ۱۳۹۰: ۳۵۹ و ۳۶۰) این تأثیرپذیری واقعیت از خیال در داستان «رز گمشده» وجود دارد. بانو زینب صریحاً می‌گوید «خیال‌ها خمیرمایه واقعیت هستند» (ازکان، ۱۳۸۹: ۱۲۲). دیانا هم که از ابتدا تا انتهای داستان، ماجرا خلق می‌کند و در پی خودش و گم‌گشته‌اش می‌رود، آدمک خیالی داستانی دیگر است. و بنا به قول داستان، «او تنها یک خیال است

که مردم در ذهن خود ساخته‌اند و پرستش‌اش می‌کنند.» (همان: ۱۳) پسامدرن‌ها معتقدند که وضعیت کنونی زندگی ما، دورهٔ محقق شدن و واقعیت یافتن همان چیزی است که در پیشامدرن، محقق‌نشده‌ی یا خیالی به حساب می‌آمده است (پاینده، ۱۳۹۰: ۳۶۱) در داستان مورد بحث، روند تحقق پیدا کردن واقعیت از «خیال» به صورت زیر است:

- ۱- مادر می‌داند که به زودی خواهد مرد. از دخترش، دیانا، می‌خواهد که داستان زندگی‌اش را بنویسد. (واقعیت)
- ۲- برای اینکه دیانا، پس از مرگ مادر باز هم حضور مادر را احساس کند، مادر نامه‌ای می‌نویسد و در آن داستان خیالی مری، خواهر دو قلو و گمشدهٔ دیانا، را برای دخترش تعریف می‌کند و به او وصیت می‌کند که پس از مرگش، مری را پیدا کند و پیش خودش بیاورد. (آفرینش یک خیال)
- «دیانای من! تنها آرزویم این است که تو و مری به زودی زود در کنار هم باشید.» (همان: ۲۱)
- «چون می‌دانم که مرا خیلی دوست داری، شک ندارم که آخرین آرزوی مرا برآورده خواهی کرد. با این همه پیدا کردن مری آن قدرها هم ساده نیست... از تو می‌خواهم که به دنیای مری قدم بگذاری و رد پایش را دنبال کنی. چه کسی بهتر از دوقلوی او می‌تواند این کار را انجام دهد؟» (همان: ۲۰ و ۲۱)
- ۳- دیانا در جستجوی خواهر و نیمهٔ گمشده‌اش (خیال)، سفری واقعی را آغاز می‌کند. (تبعیت واقعیت از خیال)
- ۴- در طول سفر، دیانا، وجود خواهرش را باور می‌کند. (تأثیر پذیری واقعیت از خیال)
- ۵- در پایان سفر، دیانا، حضور مادر را که مدت‌هاست مرده است، احساس می‌کند. (تبدیل شدن خیال به واقعیت)
- ۶- در پایان داستان، داستان دیانا نیز که خواستهٔ مادر از او بود، همزمان با داستان سردار ازکان، نوشته و تمام می‌شود. (یکی شدن خیال و واقعیت)

در واقع، نویسنده طی ۶ مرحله، توانسته است مرز میان واقعیت و خیال را در داستان از بین ببرد. این یکی شدن خیال و واقعیت، سبب عدم قطعیت در داستان می‌شود.

- عدم قطعیت

در رمان‌های پستمدرن ابهام وجود ندارد، بلکه اغلب، عدم قطعیتی که در روایت مطرح است، خواننده را دچار مشکل و سردرگمی می‌کند. (لاچ و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۵۶). «این عدم قطعیت اگرچه از دقت در علوم طبیعی ناشی شده است اما در علوم انسانی و به‌طور کلی در علمی که کنش آدمی نقش تعیین‌کننده‌ای آن دارد، برجسته‌تر می‌شود.» (تابعی، ۱۳۸۴: ۱۸۸) دلیل این عدم قطعیت را می‌توان در این نکته دانست که «سخن پستمدرن این است که حقیقت را که «همه چیز» است، «هیچ کس» نمی‌داند، چون به این باور رسیده است که «همه چیز را همگان دانند.» (خجسته و رضایی، ۱۳۹۴: ۳۹) پذیرش عدم قطعیت در فرآیند شناخت و اعتقاد به اینکه هیچ جوهره علمی ثابتی وجود ندارد، مهم‌ترین بن‌مایه‌ای است که در میان نظریه‌های معرفت‌شناسانه نیمه دوم قرن بیستم رواج پیدا کرد و از مؤلفه‌های پست مدرن به شمار می‌آید. (تابعی، ۱۳۸۴: ۱۸۸) در رمان رز گمشده، عدم تمایز میان داستان نویسنده و داستان شخصیت، قطعیت را در داستان از بین می‌برد. ساختار دایره‌ای آن نیز که ابتدا و انتهای داستان را بر هم منطبق و یکی می‌کند و همچنین، این‌همانی شدن شخصیت خیالی (مریم) و واقعی (دیانا) با یکدیگر این عدم قطعیت را تشدید می‌کند. «ساختار دایره‌ای، ارائه شکیلی است که در آن بازگشت به وضعیت و موقعیت (معمولاً ناخوشایند) اول داستان را در آخر نشان می‌دهد.» (میرصادقی و میرصادقی، ۱۳۸۸: ۱۸۶)

«افسس! شهر دوگانگی. هم مأمَن آرتمیس، هم مأمَن مطهر مریم مقدس. سرایی هم برای نفس و هم برای روح. تجسم هم کبر و هم فروتنی، هم اسارت و هم آزادی. افسس! شهری همچون انسان که در آن تضادها درهم ادغام شده‌اند.» (ازکان، ۱۳۸۹: ۱۳ و ۲۱۳) درباره شخصیت‌های داستان می‌توان گفت، گاهی آنقدر آن‌ها به هم شبیه و نزدیک می‌شوند که نمی‌توان تشخیص داد این کدام شخصیت است؟ حتی پی بردن به این نکته که داستان را راوی بیرونی تعریف می‌کند یا راوی درونی، ممکن نیست. این مطلب به شکل نمادین هم در ابتدای داستان آمده است.

«هر دو یکی هستند... تنها یکی. آری، البته که تنها یک بطری وجود دارد. نه، این درست نیست. چشم‌هام دو بطری می‌بیند. اما شاید، شاید دو بطری می‌بینم، ممکن هم هست که یک بطری باشد؟ متأسفانه نه، آن قدرها مست نیستم. ممکن نیست که دو تا ببینم. واقعاً دو بطری است. اما چرا دو بطری؟ چرا؟» (همان: ۱۵)

حتی در پایان داستان و در آخرین سطرها نیز، اصلی‌ترین سؤالات درباره این روایت بی‌پاسخ می‌ماند و دیانا را در شک رها می‌کند.

«(دیانا) مدام از خودش می‌پرسد: آیا هنر شنیدن صدای رزها یک قصه است؟» (همان: ۲۱۵)

دلیل این عدم قطعیت، به رسمیت شناختن هستی‌ها و جهان‌های ممکن چون جهان واقعیت و خیال است.

- بینامتنیت و بازتاب اسطوره در متن

اولین بار ژولیا کریستیوا، نظریه‌پرداز پساساختارگرای فرانسوی، در بحث‌های مربوط به پسامدرنیسم اصطلاح «بینامتنیت» را عنوان کرد. مطابق نظر کریستیوا، نوشتن متن، ترکیب یا ادغام متون پیشین است. (پاینده، ۱۳۹۰، ج ۳: ۴۴۷) اگرچه این تأثیرپذیری ممکن است در بسیاری از متون دیده می‌شود، اما شدت وضوح و حضور آن در متن‌های گوناگون متفاوت است. در برخی از متون، این حضور به اندازه‌ای است که بدون آن روایت انسجام خود را از دست می‌دهد و گاهی فروپاشیده می‌شود. «نقش بینامتنیت وقتی نمایان می‌گردد که متون نو با ارجاع به متون پیشین، معنا می‌یابند و معنای حقیقی خود را در ذهن خواننده رسوخ می‌دهند.» (شمیسا و نجاتی رودپشتی، نامه فرهنگستان، شماره ۱۵) در «رز گمشده»، این مؤلفه پست‌مدرن به خوبی دیده می‌شود. ارتباط تنگاتنگ این داستان با «شازده کوچولو»ی آنتوان دوست اگزوپری، و نیز تلفیق و بازخوانی عناصر آن داستان، به خوبی نشان می‌دهد تا چه اندازه متن‌های گوناگون می‌توانند باعث خلق و قوام متون دیگر شوند. انعکاس داستان شازده کوچولو و نیز حضور پرنس عناصری از آن مانند گل رز، این دو داستان را به هم متصل می‌کند. در شازده کوچولو، شخصیت داستان دغدغه گل رز خود را دارد.

«روباه گفت: آدمها این حقیقت را فراموش کرده‌اند ولی تو نباید فراموش کنی. تو هر چه را اهلی کنی همیشه مسئول آن خواهی بود. تو مسئول گل خود هستی.» (اگزوپری، ۱۳۸۳: ۹۱)

همین مطلب در داستان رز گمشده آمده است. ازکان، داستان خود را با قصه شازده کوچولو شروع کرده و ادامه می‌دهد.

«دیروز بعد از سال‌ها شازده کوچولوی اگزوپری را دوباره خواندم. به نظرم کتاب به کلی عوض شده بود. آنچه در کتاب برای من عوض نشد، شخصیت مورد علاقه من رز بود. البته روباه هم همین‌طور به خاطر یاد دادن مسئولیت رز به شازده کوچولو. من هم دارم می‌فهمم مسئولیت نسبت به یک رز چیست؛ به خاطر همین است که می‌روم. اگزوپری در پایان کتاب می‌پرسد: «آیا گوسفند رز را خورد یا نه؟» و می‌گوید جواب این سؤال همه چیز را تغییر می‌دهد. من هم سؤالی را از خودم پرسیدم: «آیا دیگران مرا دزیده‌اند یا نه؟» اگزوپری حق دارد. جواب این سؤال واقعاً همه چیز را عوض می‌کند.» (ازکان، ۱۳۸۹: ۲۲)

استراوس معتقد است که یک اسطوره وقتی در زمان خاص و شرایط خاصی روایت می‌شود، معنایی متناسب با همان زمان و موقعیت پیدا می‌کند. (استروس، ۱۳۸۵: ۹۷) از ویژگی‌های دیگر این رمان، استفاده از اسطوره‌ها و شخصیت‌های تاریخی و بازخوانی مجدد آنهاست. دو اسطوره آرتمیس و مریم و دو شخصیت مریم مقدس و سقراط در تمام داستان حضور دارند. در این رمان نیز این اسطوره‌ها، معنایی متفاوت و درونی پیدا می‌کنند و هر کدام از این اسطوره‌ها، جلوه یکی از شئون انسان است. در واقع این اسطوره‌های جهانی در طول داستان تبدیل به اسطوره‌هایی فردی می‌شوند. «یکی از اصول مهم در نقد اسطوره این است که شکل‌های فردی و جهانی یک تصویر یکسان-اند.» (روتون، ۱۳۸۷: ۱۰۲) ازکان، در نهایت شخصیت‌ها و اسطوره‌ها را یکی می‌کند. آرتمیس را با دیانا، و مریم را با مری یکی و این‌همانی می‌کند و در نهایت نیز از دیانا و مری یک پیکره شخصیت واحد می‌سازد. شهر افسس نیز که هم در ابتدا و هم در انتهای داستان آمده است، و جایگاه نمادین تمام اسطوره‌های داستان (آرتمیس و مریم و سقراط و ...) است، با شخصیت و راوی داستان یکی می‌شود.

«آرتمیس نام دیگر دیانا. الهه شکار. یک شکارچی به تمام معنا، که با تیرش مرگی خوش و ناگهانی به شکار تقدیم می‌کند. آزاده روح، اما اسیر. وابسته اما در عین جال متکبر. مادرش لتو دردکشان به درخت زیتون تکه داد و او را به دنیا آورد... و گفت: بعداً راجع به دوقلوی آرتمیس یعنی آپولون صحبت خواهم کرد. در مورد معبدش و آن عبارت اعجاب‌انگیز که بر آن حک شده: «گنوتی سیوتن.» ضمناً درباره فیلسوف بزرگ سقراط که در حال عبور از آن چشمش به این دو کلمه افتاده و نتوانسته بود از آن چشم بردارد، خواهم گفت.» (ازکان، ۱۳۸۹: ۲۱۴)

- نقد خردگرایی

برخلاف مدرنیسم، گذر از جهان دانسته‌ها و پایبند نبودن به کارآمد بودن عقل در همه حوزه‌ها، مؤلفه‌ای دیگر از اندیشه‌های پست مدرن را نشان می‌دهد. «یکی از شاخصه‌های مهم پسامدرنیسم، نقد خردگرایی دنیای مدرن و پیشامدرن است. پسامدرن‌ها با نفی هر گونه قطعیت، بر این باورند که دوران زمام عقل که معیار قضاوت-های قاطع و مطلق بود، سپری شده است و دیگر نمی‌توان عقل را قدرت مطلق و باور برتر رزوگار معاصر دانست.» (استادزاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶) نویسنده در رز گمشده، با استفاده از نماد و شخصیت دکارت - فیلسوف معروف خردگرا - خرد را مورد نقد قرار می‌دهد. در داستان، این پیروزی و برتری ایمان بر عقل، به شکلی نمادین در گفتگوی میان دیانا و مادرش درباره دکارت آمده است. دکارت اولین فیلسوف بزرگ بعد از قرون وسطی است که به مکتب اصالت عقل تعلق دارد. مکتبی که معتقد است شناخت حقیقی و یقینی، فقط از راه عقل صورت می‌گیرد. درحالیکه در پست‌مدرنیسم «هیچ امر مطلق وجود ندارد. هیچ چیزی به نحو خالص و ناب دیده نمی‌شود؛ در واقع برخلاف دکارت، هیچ خود خالص و نابی وجود ندارد تا هدیه‌ای محض عطا کند. ما باید عمل کنیم و اصلاح نماییم، در یک سیاله‌ای که ما را می‌سازد و اصلاح می‌کند» (کیوپیت، ۱۳۸۷: ۵۵). همین مطلب با زبان رمز و نماد در گفتگویی نمادین درباره جلیقه به حراج گذاشته دکارت، میان مادر و دیانا آمده است. مادر به دیانا می‌گوید:

«پیراهن تو از جلیقه دکارت خیلی شیک‌تر است. جلیقه دکارت نه ابریشم است نه کشمیر، نه دوناکاران نه آرمانی. حتی اگر به مغازه‌ای ببرندش پنج دلار هم آن را نمی‌خرند.» (ازکان، ۱۳۸۹: ۲۷)

بانو زینب، در اولین درسی که به دیانا می‌دهد، از ناتوانی عقل سخن می‌گوید. از این - رو در سؤالاتی که می‌پرسد، تنها پاسخ «نمی‌دانم» را، که نشان از ناتوانی عقل از کشف حقیقت است، می‌پذیرد و درست می‌داند.

«وقتی از تو پرسیدم که رزها کدام آواز را می‌خوانند، تو بهترین جواب را دادی، گفתי: نمی‌دانم. چرا؟ چون می‌دانستی که نمی‌دانی. می‌دانستی که احتمال پاسخ‌گویی به سؤالی که جواب آن بی‌نهایت است تنها به کمک حواس پنج‌گانه بی‌معنا است.» (همان: ۱۲۸)

همچنین تأکید می‌کند که این شناخت از راه عقل، ممکن نیست. «صدای بانو زینب شنیده شد: با عقلات نمی‌فهمی.» (همان: ۱۲۵)

«شاید این اتفاق روزی بیافتد که بدانی دیگر دانسته‌هایت به درد نمی‌خورند» (همان: ۱۳۸)

- شکل یا فرم بدیع و نو

«شکل یا فرم به قالب یا شیوه یا مجموعه شگردهای هنری‌ای می‌گویند که نویسنده برای بیان محتوا انتخاب می‌کند. فرم در داستان‌های بسیار قوی، به قدری خودویژه است که هر گونه دخل و تصرف در آن می‌تواند تمامیت زیبایی‌شناختی داستان را خدشه‌دار کند. در واقع، شکل داستان‌های صنعتمند را نمی‌توان تغییر داد زیرا دستکاری در فرم بیان آن‌ها، رابطه بین شکل و محتوایشان را خراب می‌کند. نویسندگان داستان‌های پست مدرن، فرم داستان‌هایشان را ابداع می‌کنند. بدعت‌گزاری و خلق طرح نو در داستان، از ویژگی‌های داستان‌های پست‌مدرن است (ن.ک پاینده، ۱۳۹۰، ج ۳، ۱۶۰ و ۱۶۱). این ابداع که از مؤلفه‌های پست مدرن است، در داستان رز گمشده، نمود بسیار دارد. در واقع، ویژگی بسیار برجسته و قوی این رمان، فرم خاص و بدیع آن است. نویسنده با استفاده از امکاناتی چون بینامتنیت و اسطوره‌ها و شخصیت‌های گذشته، میان اساطیر و گذشتگان و شخصیت‌های داستان این‌همانی ایجاد کرده است. فرم دایره‌ای داستان، نقطه شروع و پایان آن را در هم تنیده است. این فرم دایره‌ای، با محتوای داستان که از شخصیت‌های متکثر (دیانا، مری و مادر)، یک شخصیت و جهان واحد و یکپارچه می‌سازد، همخوانی و هماهنگی تام دارد. داستان با تمام اجزایش یک

کل واحد را می‌سازد و هیچ شخصیتی قابل حذف از آن نیست. داستان آغاز و پایان ندارد. زمان‌ها و مکان‌ها بر هم منطبق می‌شوند و این همانی پیدا می‌کنند. الاهگان و اسطوره‌های تاریخی با دیانا و مری و مادر یکی می‌شوند. این وحدت در مکان و زمان با فرم دایره که ابتدا و انتها ندارد، مطابقت دارد. در فرهنگ نمادها، دایره، نماد وحدت و کمال است. «دایره در اصل یک نقطه بسط‌یافته است: نقطه در کامل شدن دایره مشارکت می‌کند، و در ضمن با دایره مختصات نمادین مشترکی دارد، از جمله کمال، همگونی، یکدستی و نداشتن اضافات و زواید.» (شوالیه گربران، ۱۳۸۸: ۱۶۵)

- پایان چندگانه داستان

پایان چندگانه داستان که هم می‌تواند پایان داستان باشد و هم آغاز آن. و نیز خطی نبودن روایت از ویژگیهای سبک پست‌مدرن است. زیرا ادبیات پسامدرنی «از فرجام سرپیچی می‌کند؛ چرا که به وجود داستان خطی اعتقادی ندارد. از سوی دیگر می‌خواهد امکانات مختلفی را بیازماید یا وجود آنها را مطرح کند؛ از این رو ناکامل بودن به شیوه مدرنیستی را هم رد می‌کند. به همین دلیل پایان این نوع داستان‌ها چندگانه است» (بی‌نیاز، ۱۳۸۸، ۲۲۶). این چندگانگی در رزگمشده به روشنی دیده می‌شود. پایان داستان می‌تواند هر کدام از گزاره‌های زیر را شامل شود:

- پایان نوشتن رمان دیانا باشد.

- پایان نوشتن رمان ازکان باشد.

این پایان چندگانه نمودی دیگر از عدم قطعیت در داستان است. همچنین در ایجاد فرم خاص و بدیع آن نیز کمک می‌کند.

- بحران هویت

شخصیت‌های داستان‌های پست‌مدرن این ویژگی را دارند؛ «اساساً شکننده و دچار بحران هویت‌اند؛ هویت نه به معنای چارچوب انسانی، بلکه حتی هویتی بین این جهانی بودن و آن جهانی بودن - مثلاً نوسان بین جهان انسانی و جهان حیوانی» (همان: ۲۱۶). این ویژگی در رزگمشده و شخصیت دیانا کاملاً مشهود است. در ابتدای داستان، دیانا نمادی امروزی از اسطوره آرتمیس یا همان دیانا است. کاملاً این جهانی است. مغرور است

و خودخواه و در بند مسائل ظاهری و صوری ست. در ابتدای داستان درباره او آمده است:

«در مغازه، اول به این فکر کرد که آیا به پیراهن تازه احتیاج دارد یا نه؟ بعد به این فکر کرد که به اندازه کافی خرید کرده است، اما در آخر یک پیراهن آبی دیگر هم برداشت. وقتی پیراهن را به مادرش نشان می داد برجسب هزار و صد دلاری را مخفی نکرد.» (ازکان، ۱۳۸۹: ۳۶)

«مادر جان می دانم چه می خواهی بگویی اما همه انتظار دارند که من بهترین لباس ها را بپوشم. همین که با دخترها روبه رو می شوم، از کفش پام تا سنجاق سرم را ورنه انداز می کنند و بعد سلام می دهند. وقتی دو روز پشت سر هم یک لباس را می پوشم، مرا جور دیگری نگاه می کنند... شنیدن پیچ پیچ هایشان درباره کلکسیون کارتیر من، ماسراتی من، ... به خاطر موقعیتی که داریم همه بهترین ها را از من انتظار دارند... مادر جان قبول کن، دیانا استوارت برای خودش یک مارک شده است.» (همان: ۲۸)

ویژگی های شخصیتی دیانا در ابتدای داستان این جهانی ست. اما در طول داستان یک سیر دلزدگی از زندگی امروزی و مصرفی دیده می شود که نشان می دهد شخصیت او هنوز تثبیت نشده و در آستانه تغییر است. این تغییر و تحول تا مرزهای آن جهانی شدن او پیش می رود. احساس نارضایتی دیانا از شیوه زندگی گذشته اش، نشان دهنده محقق شدن همین تغییر است. تغییری که باعث رشد بعد معنوی زندگی او می شود.

«مادرم می گفت برای اینکه خودت را خاص بدانی تنها چیزی که احتیاج داری خودت هستی. اما من نمی خواستم این را بفهمم. مدام به چیزهای دیگر احتیاج داشتم: توجه، ستایش، خودنمایی، خلاصه هر چه باعث شود خودم را خاص احساس کنم. من کسی نبودم که بدون مورد توجه واقع شدن بتوانم زندگی کنم.» (همان: ۱۶۹)

در پایان سفر و داستان، دیانا دیگر دیانای سابق نیست. رشد معنوی کرده و آن جهانی شده است. حالا او هم مثل مری «شازده کوچولو»ی اگزوپری را به گونه ای دیگر می خواند و برای اولین بار برای خواهرش، نامه می نویسد. این تغییر در نگرش او در نامه اش به مری نمود دارد.

«مری عزیز می‌دانی، من هم دوباره شازده کوچولو را خواندم. بعد از سال‌ها! حق با توست، خیلی تغییر کرده است. فکر می‌کنم من دارم می‌فهمم که «مسئولیت در برابر رز» یعنی چه.» (همان: ۱۸۴ و ۱۸۵)

تغییر در خوانش از یک متن، زاییده تغییر در نگرش خواننده است. همین احساس تغییر در کتاب «شازده کوچولو»، نشان‌دهنده تغییر در نگرش دیناست.

۵- نتیجه‌گیری

رمان رز گمشده، نوشته نویسنده ترک، سردار ازکان، رمانی ست که برخی از مؤلفه‌های پست‌مدرن را به شکل برجسته و پررنگ دارد. این مؤلفه‌ها عبارتند از غلبه بعد هستی‌شناسانه محتوا، عدم قطعیت، بینامتنیت و بازتاب اسطوره در متن، نقد خردگرایی، فرم نو و بدیع، بحران هویت و پایان چندگانه. از شگردهای نویسنده در ایجاد عدم قطعیت، می‌توان به از بین بردن مرز میان خیال و واقعیت و نیز فرم دایره‌ای داستان نام برد. استفاده از اسطوره‌ها و شخصیت‌های تاریخی و این‌همانی آن‌ها با شخصیت‌های داستان، به داستان فرم خاص و بدیعی داده است که کوچکترین تغییری در فرم آن، بیان محتوا را خدشه‌دار می‌کند. همان‌گونه که برایان مک‌هیل معتقد است که در داستان‌های پست‌مدرن، محتوا بیشتر هستی‌شناسانه است تا معرفت‌شناسانه، بُعد هستی‌شناختی داستان قوی‌تر و برجسته‌تر از بعد معرفت‌شناختی آن است. شخصیت اصلی داستان در ابتدا ثبات هویتی ندارد و میان این جهانی بودن و آن جهانی بودن دست و پا می‌زند اما در نهایت دچار تغییر می‌شود. داستان خردگرایی را مورد نقد قرار می‌دهد. پایان چندگانه آن نیز که از مؤلفه‌های پست‌مدرن است، در خدمت مؤلفه‌هایی دیگر چون بدیع بودن و عدم قطعیت قرار گرفته است.

منابع

- ازکان، سردار (۱۳۸۹). *رز گمشده*. ترجمه بهروز دیجوریان. تهران: آموته.
- استادزاده، زهرا و همکاران «بررسی برخی مؤلفه‌های پست‌مدرن در اشعار منوچهر آتشی». فصلنامه شعر پژوهی (بوستان ادب). شماره ۲۷. ص ۱۶

- استروس، کلودلوی (۱۳۸۵). *اسطوره و معنا*، ترجمه شهرام خسروی، تهران: مرکز. بی نیاز، فتح الله (۱۳۸۸). *درآمدی بر داستان نویسی و روایت شناسی*. تهران: افرا. پاینده، حسین (۱۳۸۸). *نقد ادبی و دموکراسی*. تهران: نیلوفر.
- پاینده، حسین (۱۳۸۹). «وجودشناسی پسامدرن در داستانی از یک نویسنده ایرانی». *فصلنامه زبان و ادب فارسی*. شماره ۴۴. ص ۲۹-۴۲.
- پاینده، حسین (۱۳۹۰). *داستان کوتاه در ایران، ج ۳*. تهران: نیلوفر.
- تابعی، احمد (۱۳۸۴). *رابطه میان ایده پسامدرن و عدم تعیین*. تهران: نی. خجسته، فرامرز و رضایی، سمیه «انسان در داستان پست مدرن». پژوهش های نقد ادبی و سبک شناسی، شماره ۱، پی در پی ۲۱. ص ۳۹.
- دوستن آگروپری، آنتوان (۱۳۸۳). *شازده کوچولو*. ترجمه محمد قاضی. تهران: امیرکبیر.
- روتون، ک.ک (۱۳۸۷). *اسطوره*. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور. تهران: مرکز.
- شوالیه / گبران، ژان / آلن (۱۳۸۸). *فرهنگ نمادها*، ترجمه سودابه فضایی، ج ۳، تهران: جیحون.
- کمبل، جوزف (۱۳۸۰). *قدرت اسطوره*، ترجمه عباس مخبر، تهران: مرکز.
- کیویت، دان (۱۳۸۷). *عرفان پس از مدرنیته*، ترجمه الله کرم کرمی پور، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- لاج، دیوید و همکاران (۱۳۸۹). *نظریه های رمان*، ترجمه حسین پاینده، تهران: نیلوفر.
- مک هیل، برایان (۱۳۹۲). *داستان پسامدرنیستی*. ترجمه علی معصومی. تهران: ققنوس.
- میرصادقی، جمال / میرصادقی، میمنت (۱۳۸۸). *واژه نامه هنر داستان نویسی*، تهران: مهناز.
- وارد، گلن (۱۳۸۹). *پست مدرنیسم*. ترجمه قادر فخر رنجبری و ابوذر کرمی. چاپ سوم، تهران: ماهی.